

## فرصت دیدار !

کاروان رفت و اثر ز آن همه احلام نماند !  
بر تن یاد بجز حسرت ایام نماند !

باغ از لاله تهی گشت و شباهنگ بخت  
بجز از ناله جعدان به سر بام نماند !

در چمن سیمبران جمله سیه پوشانند  
چون به گلزار دلی خرم پدرام نماند !

مهر تا از تن این خانه ویرانه برفت  
غیر تاریکی شب های سیه فام نماند !

هر که در یوزگی آموخت به مقصود رسید  
بر سر خوان کرم غافل و ناکام نماند !

تا تو رفتی ز برم ای گل سر تا پا شور  
در دل دلشدگان طاقت و آرام نماند !

در سرائی که در آن فرصت دیدار کم است  
اثر از وسوسه و ناز گلندام نماند !

هر کس از طرفی رفت، شد آلوده، ولی  
هیچکس چون تو در این معرکه خوشنام نماند !

رضا شاپوریان  
پنجشنبه ۱۳ آگوست ۱۹۹۸